



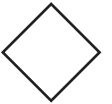
سالنامه پژوهشی نبأ

سال اول - شماره یک - ۱۳۹۸

مقاله چهارم:

تعلیم قرآن در آموزش و پرورش؛ از بودتا باید

کارشناسان معاونت پژوهش



## تعلیم قرآن در آموزش و پرورش؛ از بود تا باید

### کارشناسان معاونت پژوهش

#### چکیده

نظام تحصیلی آموزش و پرورش اگر علمگرا نباشد اما قطعاً علم نماست و لذا درس قرآن برای آنها باید هویتی کاملاً علمی داشته باشد تا ایمان آنها به کلام الله المجید مستقر گردد. این امر البته لوازمی دارد که یکی از جمله آنها، این است که بر مَبَلِّغِ دروس قرآنی افزوده گردد، هرچند به قیمت حذف برخی دروس باشد. دیگر اینکه باید دانش آموز را نسبت به قرآن تشنه و سؤال کننده نمود و بالاخره از موضوعاتی از قرآن باید سخن به میان آورد که جنبه تخصصی و علمی دارند مانند آنکه: قرآن تفصیل کلّ شیء است، مقادیر و اندازه‌های طیب و طلابی فقط در قرآن است، فقط در قرآن هیچ اختلافی نیست و کتاب‌ها و سخن‌های دیگر همه اختلاف دارند، قرآن کتابی است که باید از احسن آن اتباع نمود و این شرط اولوالالباب بودن است، قرآن کتاب ترتیل است، قرآن با انسان کامل متحد است، قرآن و زمین، قرآن و انسان در مقابل جنّ و قصه استکثار و استمتاع و اعاده؛ و چندین مسئله دیگر. در بیان مطالب، مراعات مقتضا و فهم مخاطب ضروری و لذا کار دشوار است. در این میان، قرائت قرآن البته از اولویت برخوردار است. برای تحقق این مهم، پُرخوانی باید جایگزین آموزش قواعد شود و دانش آموزان باید گواهی صحت و مهارت قرائت را از یک قاری صاحب اجازه دریافت نمایند و این گواهی، شرط ورود به تحصیلات عالی باشد.

واژگان کلیدی: آموزش قرآن، قرائت، آموزش و پرورش، تحوّل، نقشه جامع علمی.

به دلیل آنکه آموزش قرآن در کشور، امری عمومی بوده و علاوه بر نهادهای رسمی، توسط نهادها و هیأت‌های دینی - مردمی صورت می‌گرفته و به صورت یک فرهنگ نهادینه شده، لذا نهاد دولتی آموزش و پرورش به‌طور ناخواسته از فهرست تنها متولّی آموزش قرآن خارج شده و اگر سخن از ضعف و سستی در روند تعلیمات قرآنی در کشور به میان می‌آید به فکر کمتر کسی، شأن آموزش و پرورش متبادر می‌شود. شاید کمتر نهادی به فکر بررسی و بازنگری در فرایند تعلیم و تعلم قرآن در آن وزارتخانه‌ی پرعائله و عظیم است تا ببیند مثلاً بعد از ۱۲ سال، دانش‌آموزان این کشور قرآنی چقدر از قرآن را فرا گرفته‌اند؟ و آیا نیازی به تغییر، ترمیم یا تکمیل بوده است؟ اصلاً مقوله درس قرآن برای دوره ۱۲ ساله چه میزانی است؟ آیا روخوانی مراد است یا روانخوانی؟ آیا انس اجمالی کفایت می‌کند یا فرصت ۱۲ ساله برای ایجاد انس تفصیلی کافی و وافی است؟ آیا حفظ قرآن مقصد و آرمان ماست یا حصول ملکه‌ی دانش به قرآن؟ آیا آموزش قرآن در مدارس اجباری باشد بهتر است یا غیراجباری؟ آیا تکلیف و تکلف در این کار همراه شود یا تشویق و جاذبه یا هر دو؟ و بالأخره مقایسه این درس با سایر دروس از قبیل فیزیک، شیمی، ریاضی، فیزیولوژی، تاریخ، جغرافیا و زبان انگلیسی و اینکه جایگاه آن در کتابخانه درسی دانش‌آموزان کجاست؟

تفصیل قصه آن است که:

- ۱- دانش‌آموزان در نه سال اول تحصیلی و از کلاس اول تا نهم، درس مستقل قرآن دارند.
- ۲- جمع صفحات کتاب‌های درسی قرآن ۱۰۹۵ صفحه به شرح زیر است:

صفحات	پایه تحصیلی	دوره
۹۴	اول	ابتدایی اول
۱۲۱	دوم	
۱۴۰	سوم	

دوره	پایه تحصیلی	صفحات
ابتدایی دوم	چهارم	۱۱۶
	پنجم	۱۲۲
	ششم	۱۱۸
متوسطه اول	هفتم	۱۲۰
	هشتم	۱۲۸
	نهم	۱۳۶

۳- از صفحات مذکور، قریب به ۲۵۹ صفحه، متن قرآن است و مابقی مطالب آموزشی و حاشیه‌ای است. بدین ترتیب فقط دوپنجم از کل قرآن کریم برای دانش‌آموزان خوانده می‌شود و سه پنجم قرآن در دوره ۱۲ ساله دست نخورده باقی می‌ماند.<sup>۱</sup>

در این مقاله به آنچه تاکنون رخ داده پرداخته شده و نویسنده با آوردن شواهد، آنها را بررسی و نقد کرده است. این بخش از نوشتار تحت عنوان «بودها» درآمده است؛ آنگاه برای صلاح و ارتقاء امر، پیشنهادهای عرضه گردیده که زیر عنوان «بایدها» قرار داده شده است.<sup>۲</sup>

### بودها (میزان اهتمام به درس قرآن در دوره دانش‌آموزی)

یک نگاه کارشناسانه‌ی اجمالی به نوع کتب تألیف شده و مندرجات آنها ما را به نتیجه می‌رساند که مؤلفان محترم با تمام سعی و همت خود، در بسیاری از موارد، بیشتر به امور تشریفاتی و بعضاً نمایشی پرداخته‌اند. غالباً مطالب مقبول و مورد اتفاق عموم یعنی همان عرف و معروف را با معالم متعالی قرآنی اشتباه گرفته و چنان وانمود کرده‌اند که قرآن یعنی دروغ‌نگوییم، باادب باشیم، غیبت نکنیم، احسان بورزیم، کم‌فروشی نکنیم و کظم‌غیظ کنیم. مهم این است که این کار را در فضای

۱. هرچند این کتاب‌ها در سال‌های مختلف تألیف شده‌اند اما همچنان در مدارس تدریس می‌شوند.

۲. مطالب ارائه شده در قواره یک مقاله تدبیر و تدوین شده و بیش از آن یک کتاب را اقتضا می‌کند. نویسنده تفصیل این مطالب را در دو کتاب آموزه‌های قرآن و آموزه‌های ما در نظام تحصیلی، اندازه «نظریه‌پردازی در مبادی اقبال به قرآن کریم» آورده است.

دانش آموزی و مدرسه‌ای انجام می‌دهند که به شدت تحت تأثیر علوم تجربی ظاهری و قابل لمس قرار دارد؛ علمی که قوای خیالیه و عقليه دانش آموزان را مسحور و مسحور کرده، به طوری که هیچ چیز را مانند این علوم در عالم مؤثر نمی‌بینند. در این نظام به ظاهر محکم و مزین به نام علم، جای وسیعی برای عرضه دروس قرآنی باقی نمی‌ماند؛ آن‌گاه در همین فضای کوچک باقی مانده، تنها به تدریس نکته‌های اخلاقی از قرآن اکتفا و به دانش آموزان القا می‌شود که قرآن، کتاب این نوع مسائل است. البته در کنار این ترکیب و التقاط ناموزون، دروس دیگری مثل ریاضی، فیزیک و شیمی به صورت تخصصی و مستوفی درس داده می‌شود. در چنین شرایطی، حق آن است که درس قرآن را هم تخصصی ارائه کنیم و اگر به هر دلیلی، این کار را نتوانستیم یا نکردیم، باید از حجم دروس دیگر بکاهیم تا توازن و تعادل در میزان دروس ایجاد شود و دانش آموزان معصوم به سوءهاضمه فکری مبتلا نشوند.

### نقدی گذرا بر مفاد درسی قرآن

در یک نگاه اجمالی به دوره نه‌ساله آموزش قرآن در مدارس، عناوین دروس قرآنی را به شرح

زیر می‌بینیم:

- ۱- قرآن بخوانیم (شامل لوحه‌های آموزش، آیات و سوره‌ها، یادآوری‌ها و تمرین‌ها در کلاس و خانه بانوار)
- ۲- قصه آیه‌ها (شامل داستان‌های قرآن)
- ۳- فعالیت‌ها (تابلوهایی از آیات قرآن با معانی)
- ۴- پیام قرآنی (تابلوهایی از آیات همراه با معانی)
- ۵- آموزش مفاهیم (جداول ترجمه و معنای کلمات و آیات)
- ۶- انس با قرآن در خانه (دعوت به استماع و قرائت قرآن در منزل)
- ۷- شناخت (شامل مباحث معرفتی قرآن و تبیین احکام و حکمت‌های قرآنی)
- ۸- آموزش قرائت (شامل برخی احکام تجویدی) با کمک لوح فشرده

در این عناوین و مطالب، ملاحظه و نقدهایی به شرح زیر وجود دارد:

- ۱- انسجام و تعاقب منطقی که هدف واحدی را دنبال کند به چشم نمی‌خورد و هر عنوان نسبت

به عناوین دیگر مستقل است. اما مطالب تحت یک عنوان و در بخش‌های مختلف، از یکدیگر بیگانه‌اند.

۲- این عدم انسجام، سلسله قرائت را بر هم زده و بدین ترتیب، عنصر ترتیل که سر تلاوت و رمز باریابی به بارگاه با عظمت قرآن است را مختل کرده است.

۳- در مواردی توانایی حمل و هضم دانش آموز مراعات نشده و در نتیجه برخی دروس ثقیل و بلکه سقیم‌اند و موجب سوءهاضمه روحی دانش آموز می‌شوند.

۴- به نظر می‌رسد مؤلفان محترم چند حوزه را شناسایی کرده و از هر کدام نمونه‌هایی را آورده‌اند بدون آنکه توجه کنند در پایان دوره کوتاه‌مدت سالانه و بلندمدت دانش‌آموزی، چه نقش و نگاری در ذهن دانش‌آموز به‌جا خواهد ماند.

۵- در موارد متعدد ملاحظه می‌شود آموزش ترجمه لغات و کلمات با آموزش مفاهیم جابجا شده است. آموزش مفاهیم و تعلیم مقاصد و معانی، علم جداگانه‌ای است.

۶- قرآن، قول فصل و حکم تغییرناپذیر و برهان و نور است و هیچ هزل، شعر و خیال‌پردازی‌ای در تطبیق و تفسیر آیات آن پذیرفتنی نیست. در برخی از موارد به نظر می‌رسد که تفسیر یا توضیح آیات بدون ضابطه بوده، در نتیجه کارایی آن را ضایع می‌کند.

اینک بخش‌هایی از کتاب‌های درسی قرآن که مدعا را تأیید می‌نمایند، می‌آید.

• تصویر ۱: صفحه ۴۸ از کتاب اول دبستان:

این الواح، در حالی به‌عنوان آموزش قرآن به اطفال دبستانی ارائه شده‌اند که رنگ و بویی از قرآن در آنها مشاهده نمی‌شود.

• تصویر ۲: صفحه ۴۱ از کتاب اول دبستان:

این صفحه با داعیه آموزش قرآن برای طفل کلاس اول دبستان تنظیم شده، یعنی کسی که در این سن، فقط توانایی دریافت نسیمی از قرآن را دارد.

• تصویر ۳: صفحه ۶۱ از کتاب چهارم دبستان:

نمونه‌ای دیگر از آموزش‌های جسته و گریخته از آیات و معانی آنها. بریده‌های آیات،

ارتباطی به هم ندارند و شکل و تصویر سماعی و نیز معنوی در صحیفه ذهن دانش آموز حک نمی‌کند.

• تصویر ۴: صفحه ۵۲ از کتاب چهارم دبستان:

داستان‌های قرآنی می‌توانند سهم قابل توجهی از دانش قرآنی و بینش دینی دانش‌آموزان را به خود اختصاص دهند؛ به شرط آنکه نقل آنها در کتب درسی از روش و قاعده برخوردار باشد.

• تصویر ۵: صفحه ۷۸ از کتاب ششم دبستان:

حتی هنگامی که می‌خواهیم از علم مورد نظر قرآن یاد کنیم، از دانشمندانی مانند ابوریحان و دکتر حسابی و طاهره صفارزاده نام می‌بریم و اگر هم اسمی از خواجه نصیرالدین طوسی به میان می‌آوریم تازه او را به عنوان یک ریاضیدان معرفی می‌کنیم گویی که قرآن، آن قدر و ارزش را ندارد که عالمی به نام او معرفی شود.

واقعیت آن است که ما در معرفی علمای قرآنی خود قاصر و مقصّریم.

در قصور و تقصیر ما همین بس که امام عظیم‌الشأن، آن رهبر قرآنی که تاریخ همچون او کمتر سراغ دارد را نه شناخته‌ایم و نه شناسانده‌ایم. همو که در نامه تاریخی‌اش به رهبر شوروی کمونیست و تجربه پرست، هنگامی که می‌خواهد دقایق علم قرآنی را به رخ آنها بکشد از محی‌الدین بن عربی نام می‌برد.

• تصویر ۶: صفحه ۶۲ از کتاب هشتم متوسطه:

این نوع جداول خشک و کم‌ثمر برای مفاهیم غزیر و ریزان قرآن کفایت نمی‌کند.

• تصویر ۷: صفحه ۶۷ از کتاب هشتم متوسطه:

اکتفا به این مقدار از بیان جایگاه زن در قرآن، آن هم در ایران فاطمی که سرزمین مقدّس زن است شایسته نیست. حق آن است که کتب درسی دختران از پسران جدا شوند تا دختران، فرصتی برای بازشناسی شأن متعالی خود بیابند و سرانجام به مشاغلی که برای آنها توهین است، هجوم نیاورند.

- تصویر ۸: صفحه ۸۹ از کتاب نهم متوسطه:

متأسفانه در دهه‌های اخیر آموزش قرائت قرآن با آموزش تجوید بعضاً جایجا شده است. البته در درسامه قرآنی مدارس، تجوید جایگاه بارزی ندارد ولی بدان معنا نیست که آموزش قرائت روند صحیحی دارد. دایره تدریس قرآن در مدارس بر محور مکتوب کلمات می‌چرخد در حالی که قرآن یک کتاب خواندنی است و گوش و زبان سهم اصلی و اولی را داراست.

### جایگاه قرآن در نظام درسی

علیرغم آنکه دوره دانش آموزی دوره مشق‌ها و مشق‌های مالایطاق است و انواع و اقسام دانستی‌ها باید و بالاجبار در مغز دانش‌آموزان جا داده شود، اما درباره قرآن کریم زاهدانه رفتار می‌شود و به بهانه اینکه اجبار در فراگیری قرآن موجب نفور و فرار دانش‌آموزان می‌شود از سختگیری و استقامت در راه تعلیم و تعلم قرآن دریغ می‌گردد و در نتیجه درس قرآن در کنار سایر دروس، خمیده‌قد و سرنگون می‌شود. این مسئله علاوه بر آنکه موجب استضعاف قرآن در چشم دانش‌آموز می‌شود، یک خسران بزرگ دیگر هم دارد و آن اینکه قرآن نیز از ارائه خویش در چنان نظامی خودداری می‌کند و از نامحرم می‌پرهیزد. مطابق آیات کریمه، همواره در کنار قرآن یک حجاب مستور قرار دارد تا چنانچه خواننده‌اش نامحرم بود بلافاصله حجاب بر قرآن افکنده شود: (وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَجَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا) (اسراء: ۴۵).

موضوع آن است که سیستم آموزشی، باید محرم‌پرور باشد و الا به قول حافظ:

تا نگردي آشنا زين پرده، رمزي نشنوي      گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش

برای آشنایی و محرم بودن و برای اینکه انسان بتواند با کتاب خدا نجوا کند، صدق و صدقه لازم است: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَجَّيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوِكُمْ صَدَقَةٌ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ) (مجادله: ۱۲)؛ همچنانکه برای نفر به سوی قرآن و سفر به سوی حقایق کتاب الهی باید عده فراهم نمود که: (وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلَكِنَّ كَرِهَ اللَّهُ انبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْمُقْعِدِينَ) (توبه: ۴۶).



اگر بخواهیم از بزرگترین اسراف در زندگی جامعه کنونی ایران اسلامی نام ببریم، بی‌گمان باید از اسراف در عمر ۱۲ ساله دوران دانش‌آموزی یاد کنیم؛ دورانی که می‌بایست دقیق‌ترین برنامه‌ها برای تربیت این امانات الهی صورت بگیرد تا به‌جای آنکه میلیون‌ها بیمار کنکوری پیروانیم، جوانانی بصیر و مفید و بدون اضطراب تحویل جامعه دهیم که هر کدام آماده ورود به یک عرصه علمی یا عملی هستند.

### بی‌عدالتی در تقسیم انگیزه و دغدغه دانش‌آموزان

کسی نمی‌تواند انکار کند که اوقات دانش‌آموزان و همت، دغدغه و هیجان آنها به کلی مصروف دروس غیرقرآنی می‌شود به طوری که تقریباً چیزی از قوه و انگیزه برای قرآن باقی نمی‌ماند و این عمل عجیب از آنجانشی شده که فکر کرده‌ایم برخلاف بقیه دروس، برای فراگیری قرآن، دانش‌آموز نباید هیچ هیجان و دغدغه‌ای داشته باشد. به عبارت دیگر، فراغت از قرآن را به جای فراغت برای قرآن نشانده‌ایم و این در حالی است که قرآن کریم و آموزش آن، به شدت محتاج تخلیه و پرهیز از مزاحمت است و این قول امام صادق علیه السلام است که «قارئ القرآن یحتاج الی ثلاث: قلب خاشع و بدن فارغ و موضع خال» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۴۳). ممکن است گفته شود: حجم دروس دیگر، ما را از چنین رژیم درسی‌ای ناگزیر کرده است. در پاسخ باید گفت: شما نه قدر قرآن را شناخته‌اید؛ نه می‌دانید علم چیست. ما نباید در مقابل دانش تجربی روز منفعل و خودباخته باشیم؛ زیرا مثل آنها مثل برق است که یک لحظه اطراف و پیرامون را نشان می‌دهد و سپس همه چیز در تاریکی فرو می‌رود، یا مثل آتشی است که شخصی مقابل خود بیفروزد که هرچند زمان اضائۀ آن بیشتر است، اما دوردست راه را نشان نمی‌دهد. در مقابل، قرآن نور مبین و قمر منیر است که تا چشم کار می‌کند نورافشانی می‌فرماید. البته ما هرگز قائل و مایل به عقب‌ماندگی از قافله تمدن نیستیم و دستور (واعدوا لهم ما استطعتم من قوه) (انفال: ۶۰) را برای چنین مواقعی به کار می‌بندیم، اما باید به خوبی بدانیم که سبک زندگی یک چیز است و اعداد قوه برای شکست دشمن چیزی دیگر (برای تفصیل بیشتر، رک: کاشفی، آموزه‌های قرآن و آموزه‌های ما در نظام تحصیلی (ص ۱۴۰، ۱۹۵) و اندازه (ص ۱۴۵)).

بزرگترین خدمت به دانش‌آموزان، تشنه کردن آنهاست.

قرآن کریم فرموده است: (لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِّلسَّائِلِينَ) (یوسف: ۷). این بدان معناست که اگر بدون سؤال و غیرعطشناک به سراغ یوسف قرآن بروید، چیزی دستگیرتان نخواهد شد. قرآن با افراد سیر و پرسخن نمی‌گوید و فقط این دردمندانِ سرازپانشناس اند که لیاقت می‌یابند تا از زلال آیات الهی بهره ببرند.

در مدارس، باید قبل از هر چیز، تشنگی را اقامه کرد و سقایت را به بعد سپرد؛ یعنی دانش‌آموزان علم‌زده که عصب تشنگی‌شان از کار افتاده را به نیازشان به آب واقف کرد و آنها را تشنه نمود. سپس مدتی در برهوت بی‌آبی رها کرد تا به استغاثه بیفتند و پس از آن حتی ناامید شوند؛ آنگاه قطرات باران رحمت کلام الله بر جان سوخته آنان خواهد بارید: (وَهُوَ الَّذِي يُزِيلُ الْعَيْبَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ) (شوری: ۲۸). تجلیه همواره بعد از تخلیه است و تحقق این امر در مدارس که محل تزریق انواع آمپول‌های خوراکی و سرم‌های گوناگون به مغز و فکر دانش‌آموزان است، کاری صعب و مستصعب است که باید جنود قرآنی کشور از حوزه، دانشگاه و خود آموزش و پرورش تا مراکز و نهادهای قرآنی کشور، همگی برای انجام آن قیام کنند. وظیفه جنود مذکور در مدارس، وصل کردن سرم قرآن به رگ دانش‌آموزان نیست بلکه به تحقیق، جدا کردن سرم‌های دیگر است؛ و این کار بزرگ نیازمند تفکر است. تفکر در اینکه چگونه عذب قرآن را به این دانش‌آموز که تازه تشنگی خود را بازیافته ارائه کنیم تا عطش او دوچندان شود و قدم راهبردی در این راه، آن است که بتوانیم به دانش‌آموز بفهمانیم که قرآن دانش است و به تخصص ویژه نیاز دارد. اهمیت این مسئله در آنست که عرف محیط‌های دانش‌آموزی، قرآن را علم نمی‌دانند. ما باید نمونه‌هایی از مطالب تخصصی قرآن را برای دانش‌آموز بیاوریم و رشح‌های از دریای نامتناهی قرآن مجید و کریم را بر جسم خشکیده و پژمرده آنها ببارانیم.

### سخنی در باب موضوعات تخصصی در قرآن

برای تدریس قرآن در دوره دانش‌آموزی مطالب فراوان تخصصی وجود دارد که به مناسبت

وقت آن دوره و ظرفیت دانش آموزان باید آنها را مورد تعلیم و تعلّم قرار داد. برخی از آن مطالب را ذکر می‌کنیم:

۱- قرآن کریم کتاب مقادیر و اندازه‌های طلایی در خلقت است و هیچ درسی در تقدیر و حساب و نظام، قابلیت قیاس با قرآن را ندارد. البته باید اذعان کرد که در زمینه مقدرات و مقررات قرآن، ما در هیچ محیط علمی کاری انجام نداده‌ایم و مطالب به صورت دست‌نخورده باقی مانده‌اند. برخی گمان می‌کنند اگر قرآن کتاب هدایت است ناگزیر از بیان علوم مختلف عاجز و ساکت است و میدان زندگی را برای مدعیان علوم تجربی باز گذاشته تا با آزمون و خطا، سبک معیشت و رفتار با خلقت الهی را تجربه کنند و قرآن در حاشیه‌ای نشسته و فقط به تهویه و تصفیه جو زندگی می‌پردازد. این نگاه به قرآن در فضای دانش آموزی به معنای تعطیلی قرآن و رفض احکام عالی مقام آنست و با کمال تأسّف باید گفت این همان حادثه‌ای است که کم و بیش رخ داده و ملاحظه می‌شود به این واسطه، قرآن کریم در مدارس علاقه‌مند جدی ندارد. در مقابل، در جامعه علاقه‌مندان به قرآن زیادند که با دواعی دیگری و خارج از سیستم آموزش رسمی به فراگیری قرآن می‌پردازند.

۲- از مهم‌ترین مسائل قرآنی، زمین و محل سکناى بنی آدم و در مقابل، محل سکونت جن و ذریه شیطان است. جنّ نسبت به انس همواره استمتاع و استکثار دارد؛ کما اینکه انس نسبت به جن اعاده دارد و اینها مطالبی‌اند که باید به جدّ مورد تحقیق قرار گیرند؛ زیرا به فرموده قرآن، انسان نادانسته به عبادت جن می‌پردازد (بل کانوا یعبدون الجنّ) (سبأ: ۴۱). چنانکه اینک می‌بینیم قبله آمال، اسوه، قُدوه، میزان، استاندارد و اندازه‌های سبک زندگی همگی در انحصار سرزمینی است که به غرب و فرنگ مشهور است.

۳- قرآن کتابی است که خدای تعالی درباره آن فرموده است: (أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا) (نساء: ۸۲). این خاصیت منحصر به فرد که فقط و فقط در قرآن موجود است، مایه و مادّهای گران‌سنگ برای دروسی بی‌نظیر است که یک قیراط آن، از خروارها خرمهره درسی بهتر است. اینکه دانش آموز معنای اختلاف را بفهمد، آنگاه معلّم کاردان دست‌اش را بگیرد و با نمونه‌های فراوان از احکام پراختلاف غیر قرآنی آشنا سازد، نیمی از علم است. سپس آن معلّم و شاگرد باید شست‌وشو کنند و خرامان به خرابات درآیند و ببینند که در سرزمین قرآن هیچ

اختلافی نیست و هیچ چیز دیگر را در کمترین شکل ممکن نفی و فوت نمی کند و همه احکام و سخن ها و حتی الفاظ به صورت کامل یکدیگر را تأیید و تأکید می کنند که این نیمه دوم علم است. این مسئله آن قدر بزرگ است که علاوه بر آن که انگشت حیرت بر دهان هر پژوهنده ای خواهد برد و او را مبهور و مدهوش نظام الهی قرآن می کند و به صورتی برهانی و محکم اثبات می کند که این حادثه جز از قدرت و حکمت الهی سرچشمه نمی گیرد.

۴- قرآن احسن الحدیث است: (اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَابًا) (زمر: ۲۳)، همچنان که کتاب اتباع احسن است و باید از احسن آن اتباع نمود. این مطلب متخذ از خود قرآن کریم است که: (وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ) (زمر: ۵۵). شرط ورود به جرگه اولی الالباب، اتباع احسن از قول خدای تعالی است که: (فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمْ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمُ أُولُوا الْأَلْبَابِ) (زمر: ۱۷-۱۸). «القول» در اینجا اقوال نیست؛ بلکه هر قولی هم نیست که به تحقیق، خود قرآن کریم است و این مسئله در جای خود مورد بحث قرار گرفته است (رک: کاشفی، آموزه های قرآن کریم و آموزه های ما در نظام تحصیلی). در آیات قرآن هیچ تهافت و اختلافی نیست و قرآن کریم که قائل به اعراض از لغو است هرگز به استماع همه اقوال دستور نمی دهد، بلکه در اینجا مقصود فقط یک قول است که آن قول، حسن و احسن دارد و اولو الالباب کسانی اند که توانایی اتباع از احسن آن را دارند. تشریح احسنیت حدیث قرآن که متجلی در مشابه بودن آن در عین مثانی بودن آنست و بیان اتباع از احسن قرآن کریم، دو مقوله ثقیل و کاملاً تخصصی هستند که در بسته و دست نخورده باقی مانده اند و لازم است بعد از مورد بحث و درس واقع شدن و روشن شدن کامل زوایا به صورتی قابل درک برای طبقه نوجوان در مدارس تبیین گردند.

۵- قرآن کتاب تفصیل و تبیان کل شیئی است. در این باره باید اول درس عظیم شناخت شیئی ارائه شود تا معلوم گردد به هر پدیده ای شیئی نمی گویند، بلکه شیئی باید قابلیت دریافت امر «کن» را داشته باشد تا «فیکون» بشود. آنگاه درس شگفت انگیز تفصیل و تبیین را عرضه نمود که اصلاً تفصیل شیئی یعنی چه؛ و بالأخره اشیاء را یک به یک باید نام برد و تفصیل آنها را برای دانش آموزان تدریس نمود.

۶- مسائلی از قبیل عدم افتراق قرآن و عترت و ترسیم نحوه این معیت که محتاج به لطافت و ظرافت در فهم و افهام است، ترتیل قرآن و نحوه ی آن، تدبّر در قرآن و نحوه ی آن، تبعیت از قرآن

و نحوه‌ی آن، تلاوت، تلقی، تذکر و انحاء آنها نیز از مسائل تخصصی قرآن هستند که می‌باید بدان‌ها پرداخته شود (رک: کاشفی، آموزه‌های قرآن کریم و آموزه‌های ما در نظام تحصیلی؛ همو، اندازه).

با این حال مسائل تخصصی قرآن هر چند باید توسط متخصصین، تألیف و به صورت سهل‌ممتنع تصنیف شوند تا دانش آموزان با زحمتی کمتر، به لبّ مطالب دسترسی پیدا کنند؛ اما این بدان معنا نیست که دانش آموزان از فراگیری دروس عربی بی‌نیاز هستند؛ و لذا برای نیل به معانی منطوق و معانی مفهوم باید علومی از قبیل صرف، نحو، بلاغت، لغت، ادب عربی و همچنین اصول و حدیث را نیز به فراخور وقت تعلّم نمایند.

### موضوعات غیر تخصصی

در قرآن کریم موادّ و مواردی هست که پرداختن به آنها نیاز چندانی به تخصص ندارد. دانش آموز با بضاعت معمولی و بدون نیاز به مقدّمات زیاد می‌تواند به این مطالب دست یابد. این لزوماً بدان معنی نیست که تألیف و تدوین مطالب مذکور محتاج تخصّص و تبخّر نیست، بلکه به تحقیق آنچه در این زمینه تألیف می‌شود باید نازله یک تحقیق مستوفی باشد. از زمره این مطالب عبارت است از:

۱- داستان‌های قرآن: این داستان‌ها در عین حُسن و زیبایی آکنده از اسرار توحید و نبوّت و معاش و معاد هستند و در لابلای آنها علوم بسیاری به ودیعت گذشته شده که باید مورد پژوهش قرار گیرند. از کتاب‌های خوب در این زمینه «قصه‌های خوب» مرحوم مهدی آذریزدی است که با همه مزایا هنوز با کتاب درسی جامع، فاصله زیادی دارد. کتاب و درس داستان‌های قرآن می‌توانند در حجم ۲۵۰ الی ۳۰۰ صفحه تدوین شود که این، برای دوره متوسطه اول یعنی از هفتم تا نهم مناسب است.

۲- دانستنی‌های قرآن: مقصود اطلاعات عمومی درباره قرآن کریم است؛ اطلاعاتی که دانش آموز را از لاعلمی و ابهام نسبت به این کتاب شریف بیرون می‌آورد و ایمان و باور او را به خدایی بودن این کلام می‌افزاید. همچنین مطالبی از قبیل جغرافیای اقوام در قرآن، تاریخ اقوام و افراد، اسباب نزول آیات، اقسام آیات، حروف و اعداد آیات، تناظر سوره‌ها و امثال ذلک می‌تواند به صورت مختصر برای تدریس تدوین شوند.

۳- آشنایی با هنرهای قرآنی: هرچند هنرهای قرآنی اعم از قرائت مجوّد و منغم، خطاطی و کتابت قرآن، تذهیب صفحات قرآن از زمره مطالب غیر تخصصی به شمار نمی‌روند و پرداختن به هر کدام از آنها یک حرفه کامل و تمام است که ده‌ها سال عمر برای استکمال آن لازم است، اما آشنایی با این فنون یک دانستی عمومی و غیر تخصصی و البته جذاب است که می‌تواند شور و شوق در میان نوجوانان و جوانان ایجاد نماید و آنها را به این فنون و حرف طیب و دل‌پسند راهنمایی کند.

### آموزش قرآن آموزش یک زبان است

(و هذا لسان عربی مبین) (نحل: ۱۰۳) یعنی آنگونه قرآن را تعلیم و تعلّم کنید که یک طفل، زبان مادری را می‌آموزد. بدیهی است در چنین صورتی، آموختن مکتوب کلمات و آیین نگارش جایگاهی تعیین کننده در فرایند فراگیری قرآن ندارند، بلکه اگر بی‌سلیقه‌گی شود گاهی دخالت نگارش موجب اختلال در آموزش می‌شود و لذا باید از تکاثر در مکتوبات و توافر در تألیف نوشته‌جات روخوانی و روانخوانی پرهیز نماییم. مؤلفان محترم فعلی، آموزش را بر مدار نوشتار قرار داده‌اند و راه فراگیری را انتقال از مکتوب به ملفوظ دانسته‌اند. در نوشتار نیز بیشتر به تعلیم قواعد پرداخته‌اند و در نتیجه الگویی از آموزش ارائه شده است که دانش آموز، مقداری قاعده یاد گرفته ولی نمی‌تواند به وسیله آنها قرآن را بخواند؛ در حالی که اگر بنا را بر کثرت مقروء می‌گذاشتند و مدار را خوانش قرار می‌دادند، احتیاج به آن‌همه کتاب نبود و فراگیری بسیار ساده‌تر می‌شد.

### ختم قرآن، مدار در آموزش قرآن

در سیره حضرات معصومین مکرّمین «علیم‌الاسلام» مشهور و مشهور است که قرائت قرآن به صورت ختم و رساندن آن به پایان بوده است به طوری که ختم‌های سه روزه و حتی کمتر هم در سیره ایشان مشاهده می‌شود (کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۸؛ ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۲۶؛ همو، ثواب الاعمال، ص ۱۰۰). این مسئله در نوع قرائت و بالتبع نوع آموزش ما از قرآن و انس با کتاب الله المجید تعیین کننده است. روش آموزش و پرورش در تعلیم قرآن، روشی موضعی، نقطه‌ای و پراکنده است با این نیت که ما فقط قواعد خواندن را یاد می‌دهیم؛ آن‌هم از روی نوشته و بقیه‌اش بر عهده دانش آموز است. این روش با دأب ختم قرآن متفاوت است و دانش آموز با این روش، هرگز قرآنی نخواهد شد.

در این میان، یک تبصره باید مدنظر قرار گیرد و آن معنای ختم قرآن است. از پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» روایت شده است: «ختم القرآن الی حیث تعلم» (کلینی، پیشین، ص ۶۱۳؛ موحد ابطحی، جامع الاخبار و الآثار، ج ۱، ص ۳۳۸)؛ یعنی ختم قرآن هر کس تا جایی است که فراگرفته. به عبارت دیگر، هیچ کس از ختم قرآن بی بهره نیست و همگی توفیق ختم دارند ولی مقدار آن کم و بیش است. اگر کسی بگوید در چنین صورتی، پس چه الزامی برای فراگیری همه قرآن وجود دارد در حالی که با یک سوره و شاید یک آیه هم می شود ختم قرآن کرد؛ در جواب باید گفت: این حکم حکیمانانه برای کسانی است که قصد ختم کل قرآن را دارند ولی هنوز موفق نشده اند کما این که ایشان بهترین مردم را کسی معرفی فرمود که حال مرتحل باشد، یعنی شروع به قرآن کند و از اول به آخر برساند و سپس از آخر به اول رحلت کند و دوباره به ختم قرآن پردازد (مجلسی، پیشین، ج ۹۲، ص ۲۰۵). این یک قاعده قرآنی است که خدا فقط از اهل تقوا می پذیرد و بس؛ و الا قصه آن شخص می شود که دزدی می کرد و به فقرا می بخشید! به این امید که از ده ثواب، نه تالی آن نصیبش شود.

حدیث شریف «ختم القرآن الی حیث تعلم» از یک ناحیه دیگر هم باید مورد تفقه قرار گیرد و آن میزان و مقدار در «حیث تعلم» است. به نظر نمی رسد که مقصود حضرت پیامبر (ص) فراگیری الفاظ بوده باشد، بلکه به احتمال زیاد درک و دریافت از آیات و تحقق آنها در وجود قاری است و چنین امری رسول الله (ص) را خشنود می کند. از این رو بوده که وقتی شخصی برای تعلم قرآن نزد آن حضرت آمد، چون به دو آیه آخر سوره زلزال رسید که (فمن یعمل مثقال ذرة خیراً یره و من یعمل مثقال ذرة شرّاً یره) از جا برخاست و گفت مرا همین کافی است و حضرت هم ضمن تأیید فرمود: «انصرف الرجل و هو فقیه» (مجلسی، پیشین، ج ۹۲، ص ۱۰۷).

بدین ترتیب وظیفه آموزش و پرورش در تعلیم و تعلم قرآن بسیار سخت می شود؛ زیرا از یک سو وظیفه دارد که هر چه می آموزد را تا عمق جان دانش آموز در او محقق نماید آن چنان که امام صادق (ع) فرمود: «من قرأ القرآن و هو شاب مؤمنٌ اختلط القرآن بلحمه و دمه» (کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۴۴۱). از سوی دیگر وظیفه دارد دانش آموز را در قرآن حال مرتحل نماید. اینک وضع موجود را با شرایط آرمانی مقایسه نمایم تا ببینیم تفاوت از کجاست تا به کجا.

## دریافت گواهی ختم قرآن توسط دانش آموزان

ختم قرآن از اول تا آخر به صورتی که صحت و اتقان تلاوت، مورد تأیید یک معلم قرآن قرار گیرد وظیفه با اولویت آموزش و پرورش است به طوری که هیچ دانش آموزی بدون آن گواهی نامه، اجازه شرکت در کنکور را نداشته باشد. راهکارهای این مسئله باید در جای خود مورد بررسی قرار گیرند و نباید به دلایل واهی و بهانه سختی کار از انجام آن طفره رفت. آنچه سخت و کمر شکن این است که ۱۲ سال عمر فرزندان این مرز و بوم را در اختیار بگیریم تا تعلیم و تربیت اسلامی نماییم، اما از قرآنی دریغ ورزیم که آموزش تلاوت آن، جزو اولیات و بدیهیات و چه بسا جزو واجبات باشد. در سالهای اخیر با همت مرکز طبع و نشر قرآن و همکاری شورای عالی قرآن، امر اقرار در ایران مورد توجه قرار گرفته و حافظان و قاریان به نام ایران، با آنکه خود در درجات ممتاز نسبت به سایر قراء بین المللی هستند، اما با کمال خضوع مشغول ارائه تلاوت خود به اصحاب اجازه هستند تا اجازه تلاوت دریافت کنند. این حادثه مبارک باید در سایر معاهد قرآنی و نیز آموزش و پرورش، جریان پیدا کند و بازار تلاوت در مدارس گرم شود.

## تذکری درباره یک تصوّر

در دهه های اخیر که عرصه غلبه رسانه های صوتی - تصویری است تلاوت قرآن به واسطه مقتضیات رسانه، صورت خاصی به خود گرفت و آن لزوم پخش تلاوت های مجلّل و مزین و پرهیز از پخش تلاوت های عامیانه بود که در رأس آنها باید از آثار مرحوم شیخ عبدالباسط محمد عبدالصمد نام برد. این امر باعث شد تا آیین و آداب خواندن قرآن، دست خوش تغییر شود به طوری که باور عمومی بر آن قرار گرفت که تلاوت یعنی آن کار که عبدالباسط و امثال او می کنند و اگر کسی نتوانست همچون آنها بخواند باید دست از تلاوت بکشد یا لااقل در مجامع نخواند. نام آن نوع از خوانش را هم «قرائت با صوت» گذاشتند و اینک کار به جایی رسیده که اگر در مجلسی به جوانی گفته شود چند آیه قرآن بخوان با سرفاکنندگی می گوید: من نمی خوانم چون «با صوت» بلد نیستم بخوانم!

مدارس ما باید به کلی این پندار و کردار باطل را از تصوّر و توهم دانش آموزان پاک کنند و شیوه ای متعادل که فقط متکفل مهارت و تبّحّر در صحیح خوانی و روانخوانی است را جایگزین آن نمایند و الاّ دانش آموزان مدارس به دو دسته تقسیم خواهند شد: دسته ای قلیل که استعداد تلاوت هنری را دارند و



دسته‌ای کثیر که از چنین توانایی برخوردار نیستند و روشن است که این تقسیم‌بندی چه بر سر آموزش قرآن خواهد آورد.

از سیره نبی رحمت هم، چنین برمی‌آید که حضرت ایشان حداقل صحیح را مکفی می‌دانستند و حتی قاری را مورد تشویق قرار می‌دادند تا آنجا که برخی حتی پیدایش اختلاف قرائات در لهجه را ناشی از تساهل حضرت و جواز و تأیید ایشان می‌دانند (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۸؛ معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۲، صص ۹۷-۹۹). متأسفانه باید گفت شیوه متعادل یعنی صحیح‌خوانی و روانخوانی بدون پیوست‌های هنری، هم‌اینک از رواج افتاده به‌طوری که معلّمان قرآن باید در پی کشف و احیای آن برآیند. ناگفته نماند مقصود از تنازل از شیوه تلاوت‌های هنرمندانه و فرود از قلّه‌های بلندی همچون شیخ عبدالباسط، هرگز نفی این فریده دهر و امثال او نیست؛ بلکه منظور آن است که با تسامح و تساهل در امر تجوید و تنغیم، امکان ورود عامّه کودکان و نوجوانان به عرصه تلاوت را فراهم کنیم، ضمن آن که توصیه می‌شود معلّمان قرآن سعی کنند به هر صورت، قرآن‌آموزان را به یک نصاب حداقلی از حسن تلاوت که لازمه‌ی تحقّق ترتیل قرآن است وادار نمایند. این امر، حتی در هنجارهای رفتاری و روحی آنها هم مؤثّر خواهد بود.

### الزامی شدن مشق و کتابت قرآن

آموزش و پرورش نباید به ختم قرائی قرآن اکتفا نماید بلکه ختم کتابت قرآن به خط خوش (به‌قدر میسر) نیز باید در دستور کار دانش‌آموزان قرار گیرد و باید جزء شروط ورود به کنکور باشد. البته این کارها برای آنان که با قرآن دوست هستند و از مؤانست با کتاب خدا گریزان نیستند به هیچ وجه سخت و مشقّت‌آور نیست بلکه برای اغیار سخت است که:

زاهد آر رندی حافظ نکند فهم، چه شد دیو، بگریزد از آن قوم که قرآن خوانند

### آموزش قرآن باید با ادعیه مأثوره همراه باشد

ادعیه مأثوره، جلوات ذات مقدس اهل بیت نبی گرامی (سلام الله علیه وآله) می‌باشند و از آنجا که قرآن و عترت افتراق‌ناپذیرند، قرآن و دعا هم از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند و مسّ یکی بدون درک دیگری امکان‌ناپذیر است. به همین جهت باید برای دانش‌آموزان یک سلسله دروس

متصل از دبستان تا پایان دبیرستان پیش‌بینی شود که ادعیه مرویه از ائمه هدی (علیهم‌السلام) در آنها ذکر شده و حتی المقدور معانی آنها نیز در درس گنجانده شده باشد. در این تحفه‌های ملکوتی، معارف و معالم ناب قرآنی نهفته است که بسیاری از آنها همچنان دست نخورده و بازگو نشده است و به همین دلیل مؤانست با آنها راه را برای فهم قرآن از یکسو و تقویت روح بندگی از سوی دیگر خواهد گشود.

### لزوم جداسازی مواد درسی پسران از دختران براساس آموزه‌های قرآن

هر چند مسئله تفکیک درسی بین دختران و پسران در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مورد اشاره قرار گرفته اما به نظر می‌رسد موضوع محتاج توجه بیشتر نظری و عملی است، زیرا بیش از ۹۵٪ دروس دختران و پسران مشترک است و این مقدار باید به نصف تقلیل یابد. این مسئله، هم مبتنی بر آموزه‌های دینی است و هم شرایط عرفی معیشت آن را اقتضا دارد؛ شرایطی از معیشت که مردان در آن با بحران شگفت‌انگیز نبود شغل مواجه‌اند و زنان نیز از وظیفه طیب و مطهر مادری و احیای کانون ملکوتی خانواده بازمانده‌اند و شغل‌های اجتماعی به طور مساوی و ظالمانه بین این دو جنس مخالف تقسیم شده است. اینک ادارات محل اختلاط و همکاری زنان با مردان نامحرم شده به طوری که گاهی زمان مؤانست و گفتگوی زن با همکار مردش بیش از همسر خویش است. امروزه دیگر از زنان ولود و دود کمتر می‌توان پیدا کرد؛ زنان شوهردوستی که توانایی به دنیا آوردن چندین فرزند را داشته باشند. لذا ملاحظه می‌شود اندک اندک طراوت و جوانی در کشور عزیز ما رو به افول است و شک نیست بیشتر این آسیب به آموزش و پرورش باز می‌گردد.

### مدارس قرآنی اقدامی مبارک اما نافرجام

در سال ۱۳۹۱ به همت وزیر وقت آموزش و پرورش، مدارس قرآنی در کنار مدارس آموزش و پرورش تأسیس شد تا دانش‌آموزان علاقه‌مند و داوطلب، اوقات فراغت خود را در این مراکز سپری کنند و بر دانش و هنر قرآنی خود بیفزایند. برای این کار ده‌هزار مدرسه پیش‌بینی و برای مراکز استان‌ها ۱۲۰۰ دانش‌آموز محاسبه گردید. این مدارس به هر شکلی در همه مراکز و به‌طور ویژه در تهران راه‌اندازی شد، اما دیری نگذشت که منحنی فعالیت آن‌ها رو به افول گذاشته تا بالأخره پس

از گذشت دو سال و پایان آن دوره، روبه تعطیلی گرایید و فقط تابلویی بر سر در مدارس باقی ماند و آنهم پس از چندی به پایین آورده شد. علت انهیاری و شکست این طرح بزرگ و انقلابی، از یکی از مباشران امر سؤال شد. ایشان در جواب اظهار داشت: علت جز احساس بی‌نیازی و عدم اهتمام نبود؛ یعنی کسی برای این مهم، ارزش و جایگاهی قائل نمی‌شد و آن را بازکننده گره از مشکلات آموزش و پرورش نمی‌دانست (بنیادی، گزارش وضعیت مدارس قرآن). برای مدرسه قرآنی باید تشنگی آفرید اما مهمتر آن است که این تشنگی قبل از دانش‌آموز باید برای مسئولان محترم در حوزه تعلیم و تربیت و فرهنگ کشور به وجود آید.

### قرآن مدارس و وظیفه صدا و سیما

صدا و سیما باید بدانند با ورود به حوزه‌های مختلف زندگی و کسب و کار و دانش و پرورش و غیره، خواسته یا ناخواسته دست به تغییر موازین و جایجایی اولویتهای میزند و بعضی را تقدیم و بعضی را به تأخیر می‌اندازد به طوری که بعد از چندی، اولویتهای جامعه و اصلاً گفتمان جامعه را مطالبی تشکیل می‌دهند که صدا و سیما آنها را مطرح کرده است و در مقابل، برخی موضوعات از فهرست دغدغه مردم خارج می‌شود. از زمره این مسائل، قرآن در مدارس و آموزش کتاب الهی در دوره دانش‌آموزی است. جای آن است که دردمندان خون بگریند که صدا و سیما برای انواع مطالب مدارس از سرویس ایاب و ذهاب گرفته تا سرویس دستشویی و از انواع کوله و کیف گرفته تا دفتر و پاک‌کن و مداد تراش، همگی را به طور مفصل با کارشناسان به بحث گذاشته و راه‌های تسهیل دسترسی به آنها را بررسی می‌کند، اما در مورد درس قرآن مدارس تقریباً برنامه‌ای در صدا و سیما وجود ندارد و این در حالی است که علاوه بر دو شبکه قرآن صدا و سیما، شبکه آموزش و شبکه چهار و برخی شبکه‌های دیگر می‌توانند و باید به مسئله قرآن مدارس بپردازند و کمی و کاستی یا قوت و فزونی را به طور شفاف تبیین نمایند و آن را به سمع و نظر جامعه برسانند به طوری که مدیران مدارس و دانش‌آموزان همواره خود و عمل خود را در قاب صدا و سیما ببینند.

### شان حوزات عالیہ علمیه در تدوین کتب درسی قرآن

اینک که حوزات علمیه و مراکز فقهی شرعی، کم‌کم از زنی سلف خود خارج می‌شوند و با

مدنیت مدرن و شوارع بزرگ کنار می آیند، سزاوار است که برای برنامه جامع علمی کشور هم شارع و خیابان ترسیم کنند و جایگاه قرآن و علوم و حیانی را نسبت به علوم مستحدثت حسّی و تجربی در این برنامه جامع، تشریح نمایند.

واقعیت آن است که داعیه داران علوم جدید با سوء استفاده از کشفیات علمی و مغالطه در مسائل، در حال جنگ و گریز با اصحاب علوم و حیانی هستند و سحری عظیم فراهم کرده اند و علمای قرآنی در حوزه های دینی باید که عصای موسوی خود را بر زمین بزنند و سحر فرنگی کاران شیطان سرشت را باطل نمایند. ما نیازمند صدها بلکه هزارها کتاب درسی قرآنی هستیم و دریغ از آن.

## نتیجه گیری

۱- قرآن در نظام تحصیلی مدارس در جایگاه اصیل خود قرار ندارد، بلکه به عنوان یک درس در کنار سایر دروس تلقی می شود. بدیهی است این امر، قرآن را از باور دانش آموز ساقط می کند. دانش آموزان معمولاً به قرآن ایمان دارند اما انصافاً ایمان او ارتباطی به تعلیمات نظام آموزشی ندارد.

۲- تألیف کتاب درسی قرآن برای مدارس، کاری صعب و مستصعب است و نمی توان آن را از صنف دبیران محترم آموزش و پرورش و قاریان نغمه پرداز و حتی برخی اساتید دانشگاه انتظار داشت، بلکه معاهد عالیه علمیه باید برای این مهم دست به کار شوند. قطعاً آنکس که نمی تواند در نقشه جامع علمی، قرآن را در مکانت خود قرار دهد نباید به تألیف کتاب قرآن در نظام آموزشی دست بزند.

۳- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش علیرغم همه نقاط مثبت و تحول آفرین، از مسئله فوق به وضوح سخن نگفته و موضوع در ابهام باقی مانده است.

۴- در مورد قرائت قرآن در مدارس باید فکری کرد و راههایی را برای تقویت این امر پیشینی و پیشنهاد نمود؛ از جمله بهترین راهها احیای امر اقرء می باشد و برای تحقق این امر، کاستن از حجم برخی دروس و جایگزین کردن قرائت قرآن به جای آن، ضروری به نظر می رسد؛ هرچند کم و کیف این امر می تواند با مشورت اولیای امور انجام پذیرد.



قرآن کریم

- آموزش و پرورش، آموزش قرآن، اول دبستان، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی، ۱۳۹۷.
- آموزش و پرورش، آموزش قرآن، دوم دبستان، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی ۱۳۹۷.
- آموزش و پرورش، آموزش قرآن، سوم دبستان، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی ۱۳۹۷.
- آموزش و پرورش، آموزش قرآن، چهارم دبستان، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی ۱۳۹۷.
- آموزش و پرورش، آموزش قرآن، پنجم دبستان، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی ۱۳۹۷.
- آموزش و پرورش، آموزش قرآن، ششم دبستان، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی ۱۳۹۷.
- آموزش و پرورش، آموزش قرآن، هفتم، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی ۱۳۹۷.
- آموزش و پرورش، آموزش قرآن، هشتم، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی ۱۳۹۷.
- آموزش و پرورش، آموزش قرآن، نهم، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی ۱۳۹۷.
- ابن‌بابویه، محمدبن‌علی، من‌لایحضره‌الفقیه، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، ۱۴۱۳ق.
- \_\_\_\_\_، ثواب‌الاعمال و عقاب‌الاعمال، قم، دار‌الشریف‌الرضی‌للنشر، ۱۴۰۶ق.
- بنیادی، محمد، گزارش وضعیت مدارس قرآن، تک نسخه، ۱۳۸۹.
- خوشمنش، ابوالفضل، حمل قرآن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران ۱۳۸۹.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، شورای عالی انقلاب فرهنگی، بیتا.
- سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
- کاشفی، امیرمحمود، اندازه (نظریه‌پردازی در مبادی اقبال به قرآن کریم)، تهران، مرکز طبع و نشر قرآن کریم، ۱۳۹۰.
- \_\_\_\_\_، آموزه‌های قرآن کریم و آموزه‌های ما در نظام تحصیلی، تهران، اسوه، ۱۳۹۶.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری، بی‌جا، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران، انتشارات اسلامیه، بیتا.
- معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۶.
- موحدابطحی، سیدمحمدباقر، جامع‌الخبار و الآثار عن‌النبی و‌الآئمه‌الاطهار، قم، مؤسسه‌الامام‌المهدی، ۱۴۱۱ق.

# تصاویر

عشرای چهارم می باشد  
جلسه‌ی دوم

مباحث ۱- لوحه‌های ۵ و ۶ از روی کتاب برای هر گروه خود بخوانید و سپس آن‌ها را با انتخاب سطر برای هر کلاس‌های خود بخوانید.  
مباحث ۲- شعر آرزوی من را همراه با هر بخوانید.

**لوحه‌ی ۶**  
با تاملی سطر نویسی زیر را بصورت دسته دسته بخوانید.

ح	ا	پ	س	د	ر	ی	م	ن	ب
س	ای	بی	تی	دی	ری	زی	سی	می	نی

**لوحه‌ی ۷**  
با تاملی سطر نویسی برای این عبارت‌ها سطر نویسی را بصورت دسته دسته و بخش بخش بخوانید.

آ	م	ن	ا	ب
آ	م	ن	ا	ب
ن	و	ز	ا	ب
ن	و	ز	ا	ب
د	و	ن	ا	ب
د	و	ن	ا	ب

شماره ۲

عشرای چهارم می باشد  
جلسه‌ی دوم

۱- سورهای را که تاکنون آموخته‌اید، در گروه‌های دو یا سه نفره تکریم کنید و برای هم کلاس‌های خود بخوانید.

۲- کنار جمله‌ای که در اول فلک خودن می‌گوییم، عدد ۱ و کنار جمله‌ای که در پایان آن می‌گوییم، عدد ۲ را بنویسید.

۳- یکی از پیاده‌های قرآنی درس‌های اول تا سوم را برای دوستان خود بخوانید.

۴- این کلمات و عبارات قرآنی را بخش بخش بخوانید.

بارک سکن آرونی  
وارد مسکن زواکد  
یا ایاتنا  
و اربنا مناسکنا

شماره ۱

آیه‌ها قصه‌ی

**حضرت زکریا و مریم**

حضرت زکریا، عصا زان وارد حیاط بزرگ مسجد الاقصی شد. به سختی از پله‌های چوبی کنار حیاط بالا رفت و به محل عبادت حضرت مریم، که خوش آن را برای او آماده کرده بود، نزدیک شد. زمزمه ای شنید به گوش می‌رسید. حضرت زکریا با خود گفت: این دختر همیشه در حال عبادت است! بهانه روزی افتاد که حضرت مریم دختر بی‌جهت می‌خواستند او را از خدمت و عبادت خانه ای خدا کرد. پس از آن عثمان دین آورد، مریم اولین دختری بود که مادرش او را نذر خدمت و عبادت خانه ای خدا کرد. فقط پسران را شر می‌گذاشت.

پدر مریم، حضرت عمران، سال‌ها پیش از دنیا رفته بود و همه ی عثمانی بی‌الشک و دوست داشتند سرپرستی حضرت مریم را به عهده بگیرد، با آن که حضرت زکریا شوهر خانه‌ی او بود، رضایت داد برای انظار سرپرست حضرت مریم فرقه کسی نبود. همه در تب و تاب بودند. آینه‌ها به ذکر تکلیف می‌خورند و چشمه‌ها شکر می‌ریزند. تاگهان در مقابل چشمه همه فرقه به نام حضرت زکریا درآمد. او خوشحال شد و سجده‌ی شکر به جای آورد. خاطرات گذشته، فکر حضرت زکریا را مشغول کرده بود که او به اقی حضرت مریم رسید. در روزی آرامی وارد شد. حضرت مریم در محراب مشغول دعا و نیایش بود. پرده‌ای از آنگ جلوی چشمان حضرت زکریا را پوشانده. زیر لب دعا کرد: خدا یا عبادت‌های این بنده پاک خود را بپذیر.

شماره ۴

**تکریم کلاس‌های**

**تکریم اول**  
با دقت در ترجمه‌ی آیه‌ی صلحه‌ی قبل، معنای صحیح را علامت زیند:

۱- اَلَّذِیْنَ : □ کسی که □ کسانی که  
۲- یُثَبِّتُونَ : □ اقلای می‌کنند □ اقلای می‌کنند  
۳- حَقَّهٔ حَقْبًا : □ دانه □ گدازه  
۴- تَسْبِیحًا : □ هفت □ صد

**تکریم دوم**  
این عبارات قرآنی را بخوانید و ترجمه‌ی آن‌ها را کامل کنید.

۱- اِنَّ اللّٰهَ فَالِیُّ الْحَقِّ وَالْحَقِّیِّ  
۲- اِنَّ اللّٰهَ الَّذِیْ خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوٰتٍ  
۳- اَلَّذِیْنَ یُعِیْمُونَ الصَّلٰةَ وَیَمٰنُ زَوْجٰتِهٖمُ یُثَبِّتُوْنَ

شماره ۳

### آموزش معانی

#### فایده اول

جدول زیر را کامل کرده و سعی کنید معانی کلمات را به خاطر بسپارید.

ایمان آوردیم ، بی نیازی ، جهاد و تلاش می کند

ردیف	کلمه	معنا	ردیف	کلمه	معنا
۱	حیبت	کنان کرد	۳	تجاهد	...
۲	ماستا	...	۴	لفس	خود جان جمع انفس
۳	جاهد	جهاد و تلاش کرد	۵	غشش	...

#### فایده دوم

این ترکیبها را مانند نمونه کامل کنید.

لکتن	← نقشته : خورش	← نقشته : خورش
...	← نقشته : خورش	...
...	← نقشته : خورش	...
...	← نقشته : خورش	...

#### فایده سوم

معانی این ترکیبها را با عبارات قرآنی را بنویسید.

۱- «أَحْسَبْتُ الْكَلْبَ»      ۲- «أَنْ يَقُولُوا مَا آمَنَّا»  
 ۳- «وَمَنْ جَاهَدْ»          ۴- «يُجَاهِدْ لِنَفْسِهِ»  
 ۵- «إِنَّ اللَّهَ لَتَنِيذِرٌ»    ۶- «عَنِ الْمُنَافِقِينَ»

۱- «ان یقولون»    ۲- «ان یقولوا»    ۳- «ان یقولوا»    ۴- «ان یقولوا»

۶۲

### شماره ۶

### بازسازی

## يَزُفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ جَاهِدَاتِكُمْ آتَيْنَاهُمْ فِي الْقُرْآنِ أَوْفًا وَالَّذِينَ آمَنُوا أَلْعَلَّمُوا الْحَرْفَ حَرْفًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ الْحَقِيقُونَ

به کمک تصویر با دوستان خود درباره‌ی این مباحث گفتگو کنید.






ایرجلعلی بن ابی طالب (ع)    علی بن ابی طالب (ع)    جعفر بن محمد (ع)    جعفر بن محمد (ع)






علی بن ابی طالب (ع)    جعفر بن محمد (ع)    جعفر بن محمد (ع)    جعفر بن محمد (ع)

تذکره: این مباحث را در قرآن کریم پیدا کنید و آن را یک بار دیگر بخوانید.

بازسازی: این مباحث را در قرآن کریم پیدا کنید و آن را یک بار دیگر بخوانید.

۷۸

### شماره ۵

### آموزش قرأت

#### نحوه خواندن تون ساکن و تونین

تون ساکن در کلماتی مانند «بیتح ، شیطیط ، اجلال» به صورت معمولی و واضح خوانده می شود و تونین در کلماتی مانند «سنگه ، سبکه» در حرف بدش خوانده می شود.

در کلمات قرآن نیز «تون ساکن» و «تونین» از دش حرف «ح خ ع ه» به صورت معمولی و واضح تلفظ می شود مانند:

أَحْسَبْتُ لَيْتَنَ حَيْدَرٍ كَلَّوْا أَحَدٌ مُنْجَلًا عَيْدُهُ سَلَاةٌ هِي

ولی نزد ۲۲ حرف دیگر، در حرف بدش تلفظ می شود. این نحوه تلفظ موجب قرأت زیبا و فصیح قرآن و نماز می شود مانند:

أَسْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ      أَنَسَهُدُ أَنْ شَخْصًا رَسُولَ اللَّهِ  
 وَلَمْ يَكُنْ لَمْ يُكَلِّمْ أَحَدٌ      أَلْفَهُدُ حَلَّ عَلَنَ شَخْصِي وَأَلَّ شَخْصِي  
 مِينَ يَوْمِ الْخِشْفَةِ حَيْزَلَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مِينْ فَصَلَّ اللَّهُ حَسْبَيْنَ اللَّهُو

#### فایده

به فرات از آنکه این درس از لوح فشرده گوش دهید و مشخص کنید که تون ساکن و تونین، در چه کلماتی به صورت معمولی و در چه کلماتی، در حرف بدش تلفظ می شود.

اگر اعداد تون ساکن و تونین در کلمات با اصطلاحات اظهار، افعال، افعال، فاعل به سبب استنادات و توضیحات کامل در کتابهای علم قرأت و تجرید آمده است.

۸۸

### شماره ۸

### مشق

#### جایگاه زن در قرآن

به نظر شما زن در قرآن کریم از چه جایگاهی برخوردار است؟ آیا برداشته‌هایی که نسبتاً از نقش و جایگاه زن دارند، با جایگاهی که قرآن معرفی می کند، یکسان است یا فرقی می کند؟ توجه به مقام زن در قرآن کریم از آن رو اهمیت دارد که قرآن چنین حلقه‌ای را از زمانی درباره زنان بیان داشته که کاملاً یا تفکرات آن دوران متفاوت بوده است. این مطالب به خوبی نشان می دهد که آنچه در قرآن آمده ریشه در عقل الهی دارد و منطبق بر فطرت الهی و ثابت انسان است.

#### مقام زن در قرآن

- ۱- جامعه از زن و مرد تشکیل یافته است. «حجرات ۱۳»
- ۲- ملاک برتری نوعی الهی است که مرد یا زن بودن، «حجرات ۳۴»
- ۳- زن و مرد از فطرت یکسان انسانی برخوردارند. «رود ۳۰»
- ۴- ارزش کار زن و مرد یکسان است. «انسان ۱۶۵»
- ۵- زن و مرد هر دو تکلف و مسئول اند. «شاه ۱۲۴»
- ۶- وعده برخوردار شدن از سعادت کاملی و بهشت به هر دو داده شده است. «جن ۹۷»
- ۷- زن استقلال اقتصادی دارد. «شاه ۳۴»
- ۸- زن همه جا در القاب و مژایای انسانی و ایمانی و کسب فیضیت و پادشاهی‌های اخروی، همپایه مرد است. «حجرات ۳۵-۳۶»
- ۹- وظیفه مهم نظارت حکمانی در جامعه (امر به معروف و نهی از منکر) هم بر عهده مرد و هم بر عهده زن است. «نور ۳۱»
- ۱۰- احترام به دختر در قرآن تأکید شده است. «نحل ۵۸»
- ۱۱- خانه، محل آرایش و زن صبر خانه است. «نحل ۸۰»
- ۱۲- در قرآن در تکلم و احساس مسئولیت بین افراد خانواده بسیار تأکید شده است. «تحریر»
- ۱۳- قرآن، پیشتر زحمات مادران را به فرزندان یادآوری کرده است. «انعام ۱۲»
- ۱۴- قرآن مردان را به معاشرت نیکو با زنان موظف می کند. «شاه ۱۶»
- ۱۵- زکریا که کتاب گیری بر فراز آید مقرر نسخ انبیا است.

۶۷

### شماره ۷



